

پردیس دانشگاهی
گروه علوم سیاسی
گرایش روابط بین‌الملل

جهانی شدن اقتصاد: فرصت‌ها و چالش‌ها با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران

از
سیده شیوا قاسم‌زاده

استاد راهنما
جناب آقای دکتر امیر نیاکویی

استاد مشاور
جناب آقای پرفسور رضا سیمبر

شهریور ۱۳۹۳

تقدیم به پدر بزرگوارم

که سایه مهربانش سایه ساز زندگی می باشد. او که اسوه صبر و تحمل بوده و مشکلات مسیر را برایم تسهیل نمود و همواره اعتمادشان پشتیبانم بوده،

تقدیم به مادر مهربانم

فرشته ای که لحظات ناب بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگی من در حضور سبز اوست مادری که آفتاب مهرش در آستانه قلمم همچنان پابرجاست و هرگز غروب نخواهد کرد.

تقدیم به همسر عزیزم

به خاطر محبت های بی دریغش و حمایت بی پایانش

تقدیم به فرزندان دلبندم

(ماکان و ماہان) که گرمای امیدنش وجودشان همواره موجب آرامش روحی و آسایش فکری اینجانب را فراهم نموده

تقدیر و تشکر

بدین وسیله مراتب تقدیر و سپاس خود را از محضر استیادار جنمدم جناب آقای دکتر نیاکویی استاد محترم راهنما،

جناب آقای پروفور سیمبر استاد محترم مشاور،

استادان محترم داور جناب آقای دکتر سنگری و جناب آقای دکتر شریفی

به جهت بذل توجه و عنایت این عزیزان در انجام این پایان نامه تقدیم می دارم.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

ز.....	چکیده.....
۱.....	پیشگفتار.....
	فصل اول - کلیات تحقیق
۴.....	۱-۱- بیان مسئله.....
۴.....	۲-۱- اهمیت و اهداف پژوهش.....
۵.....	۳-۱- سؤال پژوهش.....
۵.....	۴-۱- فرضیه پژوهش.....
۵.....	۵-۱- تعریف مفاهیم.....
۵.....	۱-۵-۱- جهانی شدن.....
۶.....	۲-۵-۱- اقتصاد جهانی.....
۷.....	۳-۵-۱- توسعه اقتصادی.....
۷.....	۴-۵-۱- دولت کارآمد.....
۸.....	۵-۵-۱- اتحادیه‌های منطقه ای.....
۸.....	۶-۱- روش پژوهش.....
۸.....	۷-۱- مشکلات و موانع پژوهش.....
۸.....	۸-۱- پیشنهاد تحقیق.....
۱۳.....	۹-۱- سازماندهی پژوهش.....
	فصل دوم - جهانی شدن و رویکردهای تئوریک
۱۵.....	۱-۲- چیستی جهانی شدن.....
۱۸.....	۱-۱-۲- جهانی شدن و جهانی سازی.....
۱۹.....	۲-۲- سیرتاریخی جهانی شدن.....
۲۵.....	۳-۲- رویکردهای تئوریک جهانی شدن.....
۲۶.....	۱-۳-۲- رهیافت لیبرالیستی.....
۲۷.....	۱-۱-۳-۲- واکنش لیبرالیست ها به جهانی شدن.....
۲۸.....	۲-۳-۲- رهیافت رئالیستی.....
۳۰.....	۳-۳-۲- رهیافت مارکسیستی.....
۳۰.....	۱-۳-۳-۲- مفهوم و جوهر جهانی شدن در رهیافت مارکسیستی (بررسی نظریات سمیر امین).....
۳۱.....	۲-۳-۳-۲- طرح انسان گرایانه برای جهانی شدن (از دیدگاه سمیر امین).....
۳۱.....	۳-۳-۳-۲- نظریه نظام جهانی و نقد جهانی شدن (بررسی نظریات امانوئل والرشتاین).....
۳۲.....	۴-۳-۳-۲- آینده نظام جهانی.....
۳۴.....	۵-۳-۲- پیشرفت‌های اخیر در نظریه نظام جهانی.....
۳۵.....	۴-۳-۲- رهیافت جامعه شناختی.....
۳۶.....	۵-۳-۲- رهیافت انتخاب عقلانی.....
۳۸.....	۶-۳-۲- رهیافت پست مدرنیسم.....

فصل سوم - جهانی شدن اقتصاد، فرصت‌ها و چالش‌ها

۳-۱-۱-۳	جهانی شدن و توسعه اقتصادی	۴۰
۳-۱-۱-۳	پیامدهای اقتصادی جهانی شدن	۴۶
۳-۱-۲-۳	پیامدهای سیاسی و حقوقی جهانی شدن اقتصاد	۴۶
۳-۲-۳	مزایا و هزینه‌های اقتصاد جهانی	۴۸
۳-۲-۱-۳	پیامدهای مثبت جهانی شدن اقتصاد	۴۸
۳-۲-۲-۳	پیامدهای منفی جهانی شدن اقتصاد	۴۹
۳-۲-۴-۳	نگرانی‌های موجود از پدیده جهانی شدن از منظر دیگر	۵۱
۳-۳-۳	تجارت بین الملل	۵۴
۳-۳-۱-۳	جهانی شدن تجارت	۵۴
۳-۳-۲-۳	نهاد‌های پولی و مالی بین‌المللی و جهانی شدن	۵۴
۳-۳-۳-۳	جهانی شدن تولید	۵۹
۳-۳-۴-۳	رقابت پذیری و مزیت نسبی	۵۹
۳-۴-۳	آزادسازی تجاری با تأکید بر مدیریت دولت	۶۰
۳-۵-۳	سرمایه گذاری خارجی	۶۲
۳-۵-۱-۳	جهانی شدن فن آوری	۶۵

فصل چهارم - جایگاه ایران در اقتصاد جهانی

۴-۱-۱-۴	شرایط لازم برای حضور موفق در اقتصاد جهانی	۶۸
۴-۲-۴	سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی	۷۰
۴-۲-۱-۴	سازمان تجارت جهانی و کشورهای در حال توسعه	۷۲
۴-۲-۲-۴	تأثیر جهانی شدن بر کشورهای در حال توسعه	۷۴
۴-۳-۴	جایگاه ایران در اقتصاد بین الملل	۷۶
۴-۳-۱-۴	هماهنگ سازی سیاست‌های اقتصادی با سیاست‌های سازمان مالی و بین المللی	۷۷
۴-۳-۲-۴	سیاست گذاری خارجی ایران و جهانی شدن اقتصاد	۷۹
۴-۳-۳-۴	خصوصی سازی و کاهش حجم بوروکراسی حکومتی	۸۱
۴-۳-۴-۴	سهم ما از جهانی شدن تولید	۸۳
۴-۳-۵-۴	سیاست جذب سرمایه گذاری خارجی	۸۴

فصل پنجم - نتیجه گیری

نتیجه گیری	۹۸	
۵-۱-۱-۵	راهبردها	۱۰۰
منابع و مآخذ	۱۰۲	
روزنامه‌ها	۱۰۴	
منابع لاتین	۱۰۴	

فهرست جدولها

صفحه	عنوان
۲۰	جدول ۱-۲.....
۸۸	جدول ۱-۴- سهم کشورهای منتخب در حال توسعه از صادرات جهان - درصد.....
۸۸	جدول ۲-۴- برخی شاخصهای مهم صادراتی در کشورهای منتخب در حال توسعه / درصد/ ۱۹۹۷.....
۸۸	جدول ۳-۴- سهم بخشهای مختلف از صادرات غیر نفتی - درصد.....
۸۹	جدول ۴-۴- خلاصه برخی از شاخصهای کلان اقتصادی.....
	جدول ۵-۴- مهمترین شاخصهای اقتصادی کشور از ابتدای برنامه اول تا دو سال اول برنامه پنجم
۹۰	(قسمت الف: ۱۳۷۵- ۱۳۶۸).....
	ادامه جدول ۵-۴- مهمترین شاخصهای اقتصادی کشور از ابتدای برنامه اول تا دو سال اول برنامه پنجم
۹۱	(قسمت ب: ۱۳۸۳- ۱۳۷۶).....
	ادامه جدول ۵-۴- مهمترین شاخصهای اقتصادی کشور از ابتدای برنامه اول تا دو سال اول برنامه پنجم
۹۳	(قسمت ج: ۱۳۹۱- ۱۳۸۴).....
۹۵	جدول ۶-۴. مقایسه ی رشد اقتصادی به قیمتهای ثابت به پول ملی کشور ها از ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۲ (۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱).....
	جدول ۷-۴ مقایسه ی سرمایه گذاری مستقیم خارجی (به داخل کشور) بر حسب میلیون دلار
۹۶	از ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۲ (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱).....

جهانی شدن اقتصاد: فرصت‌ها و چالش‌ها با نگاهی به جمهوری اسلامی ایران

سیده شیوا قاسم‌زاده

موضوع جهانی شدن سالهاست بخش مهمی از مباحث مربوط به تحولات جدید دنیای ما را تشکیل می‌دهد اگرچه فرآیند جهانی شدن فراگیر بوده اما بارزترین مصداق و نمودهای این فرآیند به حوزه اقتصاد اختصاص دارد. به دلیل اثرات بی‌واسطه و مستقیمی که در زندگی جوامع مختلف دارد، بررسی مقوله جهانی شدن اقتصاد از جایگاه محوری برخوردار است. برخی اندیشمندان بر این باورند که با افزایش همگرایی اقتصادی در عرصه جهانی ظهور نظام اجتماعی-اقتصادی سرمایه‌داری، از سرعت و شتاب فزاینده‌ای برخوردار بوده است و پیشرفت‌های عظیم در حوزه فناوری و ارتباطات به تدریج همگرایی اقتصادهای ملی و محلی را با اقتصاد جهانی تسهیل ساخته و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را به شبکه اقتصاد جهانی اتصال داده است ولی بعضی دیگر نظریه‌پردازان معتقدند این روند نابرابر و نامتوازن می‌باشد و بیشترین منفعت آن به کشورهای توسعه‌یافته جهان تعلق می‌گیرد با این حال کشورهای در حال توسعه‌ای که مسیر جهانی شدن را طی نمودند با تطبیق شرایط اقتصادی و اجتماعی خود از مزایای جهانی برخوردار شوند. با علم به این که حرکت کشورهای در حال توسعه به سمت ایجاد فضای باز اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی نتایج مختلفی را به بارآورده است و تنها تعدادی از این کشورها با بهره‌گیری مناسب از امکانات فراهم شده موفق شدند به نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتری دسترسی پیدا کنند و در حال حاضر در زمره کشورهای تازه صنعتی شده قرار گیرند از این رو در پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی جهانی شدن از بعد اقتصادی می‌باشیم و به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که: جهانی شدن اقتصاد چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای توسعه اقتصادی ایران می‌تواند در پی داشته باشد؟ فرضیه‌ای که این رساله مطرح می‌کند چنین است: «جهانی شدن اقتصاد می‌تواند در صورت وجود ساختار تولیدی مناسب و قابل رقابت در عرصه جهانی، کارآمدی دولت و ثبات در سیاست‌های مالی دولت اعم از پولی و تجاری و ارزی، وجود زیرساخت‌های مناسب و ثبات اقتصادی و حضور در سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای نقش مؤثری در روند توسعه داشته باشد با این حال به دلیل ضعف مؤلفه‌های فوق در رابطه با ایران، چالش‌های جهانی شدن که در انزوا یافتن اقتصادی کشور متجلی است، نمود بیشتری یافته است.»

واژگان کلیدی: جهانی شدن، اقتصاد جهانی، توسعه اقتصادی، دولت کارآمد، رشد اقتصادی، اتحادیه‌های منطقه‌ای

Abstract

Economic Globalization: The opportunities and challenges with a view to the Islamic Republic of Iran
Seyede Shiva Ghasemzade

For years, the issue of globalization is an important part of our world is a discussion on new developments. Although the process was inclusive globalization, but the most striking example of this process is devoted to the economy, because it have direct and immediate impact on the lives of communities. Evaluation of globalization of the economy have a central position. Some scholars believe that increased economic integration with the emerging field of global socio-economic system of capitalism, the rapidly increasing velocity has had a tremendous progress in the areas of communications technology to gradually convergence of national economies. Many locals and global economy and facilitate economic activity is connected to the network of global economy But some analysts believe it is the most unequal and unbalanced benefit accrued to the developed countries of the world. However, developing countries have to adapt the path of globalization over the world enjoy the benefits of their social and economic conditions. With the knowledge that the economic openness and integration of developing countries into the global economy has produced mixed results. Only some of the countries with the proper utilization of the facilities provided were able to reach higher economic growth rates and currently among the newly industrialized countries therefore in this study we sought to evaluate the economics of globalization and we are looking for answers to these questions: What opportunities and challenges of economic globalization for economic development can cause? This paper proposes the hypothesis that such:" Economic globalization can be useful in case of productive and competitive in the global arena, government efficiency and stability in both monetary and fiscal policies, trade and foreign exchange, The existence of appropriate infrastructure and economic stability and the presence of regional organizations and unions have a key role in the development process. However, the weakness of the above factors in relation to Iran, the challenges of globalization, is reflected in the country's isolated economy."

Keywords: Globalization, Economic globalization, Economic development, Government efficiency, Economic growth, Regional unions

پیشگفتار

جهان در قرن بیست و یکم تحولی شگرف را از ناحیه فرآیند جهانی شدن می‌آزماید که در آن افراد ساکن بر روی کره زمین، به مثابه اعضای واحد سیاسی مشترکی تلقی می‌شوند. این امر زندگی در هزاره جدید را به تهدیدهای تازه‌ای گرفتار می‌سازد که حل و فصل آنها به سادگی میسر نیست.

واژه جهانی شدن نخستین بار برای طرح تحولاتی که در عرصه فعالیت‌های اقتصادی پدید آمده بود، مطرح گشت در این چارچوب، ممکن است از جهان‌گرایی به گسترش و تعمیق ارتباطات اقتصادهای ملی بازارهای جهانی کالا، خدمات و به ویژه سرمایه تعریف کرد. به علت تغییرات حاصله در سیاست اقتصادی شمار زیادی از کشورها، انقلاب ارتباطاتی و تکنولوژی‌های اطلاعاتی در جهان شاهد افزایش ارتباطات تجاری و جریان سرمایه فرامرزی و همچنین تغییرات شدید در شکل، ساختار و فرآیند تولید بوده‌ایم. به دلیل تحولات ایجاد شده در تکنولوژی رسانه‌ای و ارتباطاتی، جهان‌گرایی با خود تمایل روبه رشدی را برای هماهنگ‌سازی جهانی نظریه‌ها، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و حتی شیوه‌های زندگی به همراه آورده است. علاوه بر این، همگام با حاکمیت یافتن روندهای اقتصادی، رژیم‌های سیاسی فرامرزی جدیدی همچون سازمان تجارت^۱ و سازمان جهانی محیط زیست^۲ و کنوانسیون‌های متعدد جهانی زیست محیطی رشد کرده‌اند، ضمن اینکه سازمان‌های قدیمی‌تری همچون سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۳ و حتی سازمان ملل متحد نیز به مراتب واقع‌گراتر شده و لزوم پذیرش تحولات تازه را گردن نهاده‌اند. با این حال، تمامی مناطق جهان به طور یکسان از رشد شدید تجارت جهانی بهره‌مند نگردید.

در پی تحولات شگرف رخ داده در عرصه فناوری رایانه‌ای^۴ و ارتباطات، جریانی پدیدارگشت که شکل‌گیری «بازار جهانی»^۵ نخستین نتیجه آن بود. در چنین عرصه‌ای دول شکست خورده‌ای چون ژاپن و آلمان توانستند مجدداً برای خود جایگاهی بیابند و حتی از دولت‌هایی چون انگلستان و فرانسه در جدول اقتصادی پیشی بگیرند. این تحول در مناطق مختلفی از جمله اتحادیه اروپا، چهار ببر آسیا، هند و اندونزی به چشم می‌خورد. در این بازار جهانی مفاهیم و مقولات، معانی تازه‌ای می‌یابند و مسائل جدیدی معضل به شمار می‌روند که پیش از این چندان محل توجه نبودند. به عبارت ساده‌تر علت‌های ناامنی^۶ در جریان جهانی شدن، شکل و صورتی دیگر می‌یابند. (ساعی، ۱۳۸۶، ص: ۳)

مهم‌ترین ویژگی جهانی شدن اقتصاد را می‌توان در حذف موانع ملی امور اقتصادی، در فعالیت گسترده شرکت‌های چند ملیتی و گسترش بین‌المللی فعالیت‌های تجاری، مالی و تولید دانست و تقریباً همه کشورها به طور چشمگیری تحت تأثیر این روند قرار گرفته‌اند.

رشد تکنولوژی به دلیل گسترش رقابت سرعت بیشتری گرفته است و از انحصار کشورهای پیشرفته خارج شده و یا توسط خود آنان به کشورهای دیگر منتقل شده است. هرچند ابداع و اختراع هنوز در کشورهای دیگر متمرکز است. ولی امکان بهره‌گیری کشورهای پیرامونی از پدیده تکنولوژی فراهم گردیده است. از آنجا که تولید کالا با قیمت ارزان‌تر محوریت یافته و به دلیل آزادی تجاری و گسترش رقابت، نفوذ دولت‌ها در هدایت تولید و انتقال تکنولوژی کاهش یافته است، شرکت‌های چند ملیتی برای دستیابی به تولید ارزان‌تر راهی جز حضور گسترده‌تر در کشورهای دیگر به خصوص کشورهای در حال توسعه ندارند.

کشورهای در حال توسعه نیز که تا سال‌های اخیر عموماً رویکردهای درون‌نگر داشتند، برای بهره‌گیری از رشد تکنولوژی و دسترسی به بازارهای صادراتی به کاروان جهانی شدن پیوسته‌اند. البته بسیاری از کشورهای در حال توسعه ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مناسب برای پیوستن به این مجموعه را نداشتند. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، برای کشورهای در حال توسعه که عادت به اعمال سیاست‌های حمایتی شدید درون‌نگر داشتند، پیوستن به این کاروان بس دشوار می‌نمود. رقابت در صحنه بین‌المللی با دارندگان تکنولوژی پیشرفته که بازارهای وسیع در اختیار دارند، ظاهراً کاری غیرممکن است. به

-
- 1- WTO
 - 2- GEF
 - 3- OECD
 - 4 - Technology computer
 - 5- Global market
 - 6- Insecurity causes

هرحال، راه‌های گذشته به سرعت بسته شد و این‌گونه کشورها با وضعیتی روبه‌رو شدند که یا با ادامه سیاست‌های درونگر مجبور بودند به بازارهای محدود خود اکتفا کنند و از مزایای رشد تولید و تکنولوژی محروم بمانند و بطور طبیعی هر روز با بیکاران بیشتری مواجه شوند و یا در مقابل با تدوین برنامه‌ای بلندمدت و میان‌مدت، امکانات خود را تجهیز نمایند و وارد صحنه رقابت بین‌المللی گردند.

کشورما - شاید به دلیل دارا بودن درآمدهای سرشار نفتی - نیازی به حرکت جدی در این راستا را ضروری نمی‌دانست و با ادامه سیاست‌های درونگر و به دلیل نگرانی از عدم موفقیت در صحنه بین‌الملل، بسیار دیرتر از هم‌اوردان خود به فکر ورود به صحنه بین‌المللی افتاد. درحالی که کشورهای دیگر (چون کره جنوبی، چین، برزیل و مکزیک و...) به سرعت رقابت کردن را می‌آموختند، کشور ما در بحث مزایا و معایب رقابت‌پذیری درگیر ماند و اینک که اکثر کشورهای در حال توسعه با کوله‌باری از تجربه در رقابت بین‌المللی - و البته با سعی و خطای فراوان - اصول بازی در این صحنه را آموخته‌اند، ما نیز به خاطر ضرورت گسترش صادرات غیرنفتی در کشورمان، راهی جز پیوستن به این مجموعه را نداریم زیرا درآمدهای نفت که تأمین‌کننده عمده منابع مالی مورد نیاز جامعه بوده است، اینک (به صورت سرانه و به قیمت‌های ثابت) به سرعت روبه کاهش است. (بهکیش، ۱۳۸۹، ص: ۱۹-۱۸)

در پژوهش حاضر به تحلیل این موضوع که «جهانی شدن اقتصاد چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای توسعه اقتصادی ایران می‌تواند در پی داشته باشد»، می‌پردازیم. فرضیه‌ای که این رساله مطرح می‌کند چنین است: «جهانی شدن اقتصاد می‌تواند در صورت وجود ساختار تولیدی مناسب و قابل رقابت در عرصه جهانی و ثبات در سیاست‌های مالی دولت اعم از پولی و تجاری و ارزی، وجود زیرساخت‌های مناسب و ثبات اقتصادی و حضور در سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای نقش مؤثری در روند توسعه داشته باشد با این حال به دلیل ضعف مؤلفه‌های فوق در رابطه با ایران، چالش‌های جهانی شدن که در انزوا یافتن اقتصادی کشور متجلی است، نمود بیشتری یافته است.» امید است که با طرح نظرهای متفاوت، بتوانیم به درکی دقیق‌تر از امکانات و محدودیت‌های جامعه خود دست یابیم و آینده‌ای بهتر برای کشورمان را برنامه‌ریزی نماییم.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسئله

شواهد مربوط به تجارت میان گروه‌های مختلف اجتماعی با عمرکهن‌ترین یادداشت‌های مکتوب تاریخی برابری می‌کند. تجارت یکی از مهمترین انگیزه‌های افراد برای شناختن جهان بوده است. واژه «اقتصاد جهانی» به عنوان مجموع داد و ستدهای اقتصادی بین‌المللی، تعریف می‌شود که بخش عمده آن را تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ تشکیل می‌دهد. بسیاری از صاحب‌نظران ادعا می‌کنند که شواهدی از یکپارچگی اقتصادی فزاینده در سطح جهان به چشم می‌خورد و واژه «جهانی شدن» نیز برای اشاره به این پدیده به کار گرفته می‌شود درباره آثار دقیق جهانی شدن بر رفاه اقتصادی در جهان در حال توسعه نیز اجماع نظری میان کارشناسان به چشم نمی‌خورد. در یک ارزیابی سنجیده می‌توان گفت این پدیده، به طور بالقوه حاوی آثاری مثبت و منفی است و کشورهای مختلف، به شیوه‌های گوناگون از آن تأثیر پذیرفته‌اند. از نظر اقتصاددانان، میان تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی پیوندی مستقیم وجود دارد. با این حال افزایش تفاوت‌ها میان کشورهای توسعه یافته و کمتر توسعه یافته، نمایانگر آن است که «مزایای بالقوه تجارت» به شیوه‌ای برابر توزیع نمی‌شود.

در خلال دوره استعمارگری اروپا، الگوی اصلی تجارت به این صورت بود که مستعمرات مواد خام صادر می‌کردند و مراکز متروپل، کالاهای صنعتی. این ساختارهای تجاری، در دوره‌های پس از استعمار نیز دوام آوردند با پایان جنگ سرد، می‌توان از پیدایش اقتصادی جهانی در چارچوب یک نظام واحد سرمایه‌داری سخن گفت. در ارتباط با رشد اقتصادی، تفاوت شدیدی میان کشورها پدید آمده است. درست است که تفاوت در درآمدهای ثروتمندان و فقرا صرف‌نظر از کشور متبوع آنها در عمل کاهش یافته و سطح رفاه متوسط افراد به عنوان شهروندان جهان، بهبود یافته است، با این همه این وضعیت در اساس ناشی از عملکرد اقتصادی چند کشور بسیار پرجمعیت و به ویژه چین و هند و ویتنام است. در خلال نیم قرن گذشته، کشورهایی همچون کره جنوبی عملکرد خوبی داشته‌اند در حالی که کشورهای دیگری، همچون گواتمالا چنین چیزی را نیازموده‌اند. روشن است که دلایل فراوانی برای این تفاوت‌ها وجود دارد. علاوه بر توزیع نابرابر مزایای تجارت آزاد برخی کشورها با وجود داشتن «میراث استعماری» به اقتصادی صنعتی‌تر گذار کرده‌اند. مناطق تجارت آزاد در داخل مرزهای ملی کشور، در برخی موارد در جذب سرمایه‌گذاری موفق بوده‌اند. برای توضیح علل استمرار توسعه نیافتگی برخی کشورها به عوامل ساختاری توجه کرده‌اند. بحث‌های فراوانی در این باره مطرح شده که با پیوستن به اقتصاد جهانی، مزایای بسیاری را می‌توان به دست آورد. موفقیت مشخص هر کشور در اقتصاد جهانی می‌تواند توانایی آن را در بهره‌گیری از این مزایا تعیین کند. حال در اینجا این سوال مطرح می‌شود که جهانی شدن اقتصاد، چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را در توسعه اقتصادی ایران در برخواهد داشت؟

۱-۲- اهمیت و اهداف پژوهش

ما برای رشد توسعه‌ی اقتصادی کشور باید از منابع و دانش فنی همه نقاط جهان کمک بگیریم. پیوستن به اقتصاد جهانی نیازمند انبوهی از اطلاعات در مورد بسیاری از جنبه‌های اقتصادی جهانی شدن از قبیل تجارت، نظام‌های تولید جهانی و جریان‌های سرمایه و تکنولوژی و دسترسی به آن می‌باشد.

از آنجایی که توسعه هدف تمام دولت‌هاست و در دوران جهانی شدن اصولاً توسعه با جهانی شدن پیوند خورده، اهداف این پژوهش بررسی فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی جهانی شدن بر توسعه اقتصادی در ایران است. اهمیت پژوهش هم ناظر به اهمیت مباحث مرتبط با توسعه و پیشرفت است.

انگیزه‌ی نویسنده درک این نکته می‌باشد که برای ایجاد یک فرآیند منصفانه و فراگیر جهانی شدن اقتصاد، اقداماتی فوری لازم است. ما معتقدیم که تجربه‌های موفق را می‌توان تکرار کرد، این پژوهش کوششی است برای بیرون رفتن از بن‌بست کنونی از طریق تمرکز بر دغدغه‌ها و خواسته‌ها و شیوه‌هایی برای مهار توان بالقوه خود جهانی شدن. پیام ما، پیامی انتقادی اما سازنده برای تغییر مسیر کنونی جهانی شدن، زیرا منافع جهانی شدن را می‌توان به مردمان بیشتری گسترش داد و باید توان مدیریت پیوستن به اقتصاد جهانی را داشته و فرصت و امنیت اقتصادی را فراهم کرد و برای رسیدن به توسعه پایدار، باید پی‌ریزی

جستجوی جهانی شدن منصفانه بر پایه ستون‌های مستقل توسعه‌ی اقتصادی در سطح محلی و ملی، منطقه‌ای و جهانی استوار باشد.

۱-۳- سؤال پژوهش

جهانی شدن اقتصاد چه فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای توسعه اقتصادی ایران می‌تواند در پی داشته باشد؟

۱-۴- فرضیه پژوهش

«جهانی شدن اقتصاد می‌تواند در صورت وجود ساختار تولیدی مناسب و قابل رقابت در عرصه جهانی و کارآمدی دولت و ثبات در سیاست‌های مالی دولت اعم از پولی و تجاری و ارزی، وجود زیرساخت‌های مناسب و ثبات اقتصادی و حضور در سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای نقش مؤثری در روند توسعه داشته باشد با این حال به دلیل ضعف مؤلفه‌های فوق در رابطه با ایران، چالش‌های جهانی شدن که در انزوا یافتن اقتصادی کشور متجلی است، نمود بیشتری یافته است.»

۱-۵- تعریف مفاهیم

۱-۵-۱- جهانی شدن

این درست است که ایده‌های مربوط به جهانی شدن مدتها پیش از ۱۹۸۰ وجود داشت. انگلیسی زبان‌ها از اواخر قرن نوزدهم استفاده از صفت «جهانی»^۱ را به منظور توصیف «کل عالم»^۲ آغاز کردند. تاپیش از آن این کلمه (global) کروی (Spherical) معنی می‌داد. واژه‌هایی مثل «جهان گرایی»^۳ در سال ۱۹۴۴ در کتاب‌های تخصصی ظاهر شدند، در حالی که «جهانی شدن»^۴ به عنوان یک اسم برای نخستین بار در سال ۱۹۶۱ وارد فرهنگ لغات شد. اما این واژه تاپیش از آخرین ربع قرن بیستم جزء لغات روزمره نبود. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۸، ص: ۴۹)

ارائه تعریف جامع و مورد پذیرش عموم برای جهانی شدن به دلیل اختلاف نظر میان پژوهشگران برسر ماهیت آن دشوار به نظر می‌رسد و هر دسته از صاحب نظران به تناسب برداشتی که از این پدیده دارند و پیش‌زمینه‌های ذهنی و ایدئولوژیک خود، تعریف خاصی از این پدیده ارائه می‌دهند، در برخی از تعاریف جنبه اقتصادی جهانی شدن غلبه دارد و برخی دیگر ابعاد سیاسی، ارتباطاتی و یا فرهنگی آن. در ابتدا سعی می‌شود برای درک بهتر این پدیده برخی تعاریف از آن ارائه گردد: مالکوم واترز می‌گوید جهانی شدن عبارت است از فرآیندی اجتماعی که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند.

رابرتسون، جهانی شدن را فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل می‌داند. باربر، جهانی شدن را فرآیندی می‌داند که منجر به از میان رفتن مرزهای سیاسی، افزایش میانگین همگرایی بین جوامع و موسسات، گسترش و سهولت نقل و انتقال اطلاعات و تولیدات میان کشورها در سطح جهانی و حذف اندیشه مکان و زمان خواهد شد.

آنتونی مک گرو می‌گوید جهانی شدن یعنی افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها و در نتیجه فراتر از جوامع دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی را می‌سازد. جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می‌گردد، که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین دربرداشته باشد.

-
- 1- global
 - 2- The Whole World
 - 3- globalize
 - 4- globalization

پل کوک جهانی شدن را در گسترش روابط و پیوندهای گوناگون بین دولت‌ها و جوامع که نظام نوین را شکل می‌دهند و فرآیندهایی که رخ داده‌ها، تصمیم‌ها و فعالیت در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای افراد و جوامع بخش کاملاً مجزایی از جهان در برداشته باشد تعریف می‌کند.

هاروی مدعی است که جهانی شدن به مرحله‌ای شدید از فشردگی زمان و مکان منجر شده است که دارای تأثیر گنج‌کننده و مخربی بر رویه‌های سیاسی اقتصادی، توازن قدرت طبقات و نیز بر زندگی فرهنگی و اجتماعی است.

فریدمن یکی از برجسته‌ترین طرفداران رهیافت اقتصادی پدیده جهانی شدن، آن را این گونه تعریف می‌کند: ادغام سرسختانه بازارها، دولتهای ملی و فناوریه‌ها به درجه‌ای که پیش از این هرگز مشاهده نشده و افراد، شرکت‌ها و دولتهای ملی را قادر ساخته است تا دورتر، سریع‌تر، عمیق‌تر و ارزان‌تر از گذشته به اطراف جهان دست پیدا کنند، جهانی شدن یعنی گسترش سرمایه‌داری بازار آزاد به اغلب کشورها.

دیوید هلد در کتاب مردم‌سالاری و نظم جهانی، جهانی شدن را حرکتی به سوی نوعی مردم‌سالاری جهان شمول می‌نگرد که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز دربرخواهد داشت.

پراتون جهانی شدن را پدیده‌ای چند وجهی تعریف کرده است به گونه‌ای که به ساخت‌های گوناگون کنش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، فن‌آوری و محیط زیست راه پیدا کرده است. در تعاریفی دیگر، جهانی شدن به عنوان گسست بین فضا و زمان (گیدنز، ۱۹۹۸)، فرآیند انتشار ارزش‌ها و فن‌آوری و نفوذ آن بر زندگی اجتماعی افراد جامعه (آلبرو، ۱۹۹۷) و گسترش ارتباطات در سطح جهانی معرفی شده است. (نیاکویی، ۱۳۸۶، ص: ۳-۲)

از نظر «جیمز روزنا» جهانی شدن پدیده‌ای است که در ورای مرزهای ملی گسترش یافته و افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها را به انجام رفتارهای مشابه یا شرکت در فرآیندها، سازمان‌ها یا نظام‌های فراگیر و منسجم وامی‌دارد. (غریب‌آبادی و علی‌آبادی، ۱۳۸۳، ص: ۲۲)

از نظر «فرانسیس فوکویاما» جهانی شدن به معنای یکپارچگی در همه زمینه‌ها استانداردسازی سیاست، فرهنگ و اقتصاد بر پایه ضوابط و ملاکهای لیبرال دموکراسی است. (حسینی، ۱۳۷۹، ص: ۱۱۷)

بنابر تعاریف ارائه شده جهانی شدن فرآیند و تحولی است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم‌رنگ می‌کند و در نهایت آن‌ها را از بین می‌برد. جهانی شدن یک پدیده‌ی چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، حقوقی و... می‌باشد. اقتصاد در جهان امروز بیشترین نقش را در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کند، به عبارت دیگر اقتصاد تنظیم‌کننده‌ی کلیه رفتارها و حتی برخوردها و چالش‌هایی است که در روابط میان جامعه و دولت‌ها رخ می‌دهد.

۱-۵-۲- اقتصاد جهانی

با توجه به مفاهیم و تعاریف موجود در خصوص جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد زمانی تحقق پیدا می‌کند که حدود جغرافیایی و حاکمیت ملی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید و نقل انتقالات مالی کم‌ترین نقش را داشته باشند. در روند جهانی شدن اقتصاد کشورهای دنیا به هم وابسته می‌شوند، موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می‌یابند و نقل و انتقالات مالی بین کشورها هر چه آسانتر صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، کنترل ملت‌ها و دولت‌ها در نقل و انتقالات مالی و فن‌آوری به شدت کاهش می‌یابد و در بلندمدت حذف می‌گردد. این بلندمدتی است که با توسعه تجارت و تولید و نهایتاً یکپارچه شدن بازار بین‌المللی تحقق می‌یابد.

گسترش و تعمیق وابستگی متقابل بین کشورها و اقتصادهای ملی، یکپارچگی بازارهای ملی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات‌زدایی و از میان برداشته شدن ضوابط حمایت‌گرایانه بازرگانی و ایجاد سازمان جهانی بازرگانی از مهم‌ترین ابعاد اقتصادی جهانی شدن به شمار می‌رود. این ابعاد از طریق اتحادیه‌های اقتصادی جهانی و فعالیت شرکت‌های بین‌المللی و مؤسسات اقتصادی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شکل می‌گیرد. (سیمبر، ۱۳۸۸)

جهانی شدن، اقتصادهای جهان را چنان به یکدیگر گره می‌زند که بروز حتی یک بحران کوچک می‌تواند به سرعت گریبانگیر سایر کشورهای جهان نیز شود. با بروز پدیده جهانی شدن اقتصاد و از میان برداشته شدن بسیاری از موانع تجاری موجود،

زمینه نقل و انتقالات سرمایه و منابع مالی، و قطعاً تقسیم کار بین‌المللی گسترش خواهد یافت که این خود به افزایش کارایی اقتصاد بین‌المللی کمک شایانی خواهد نمود.

۱-۵-۳- توسعه اقتصادی

یکی از مفاهیم پر مناقشه اقتصادی که تعریف کامل و جامع آن بسیار مشکل می‌باشد و در رابطه با آن ادبیات غنی و نظریه‌های گوناگون وجود دارد توسعه اقتصادی می‌باشد. توسعه اقتصادی و رابطه آن با رشد اقتصادی دیدگاه مکاتب مختلف و نظریه‌پردازان در رابطه با این مفاهیم و راه‌های نیل به این اهداف و... همواره مورد بحث و کنکاش صاحب‌نظران بوده است. در حالی که برخی از نظریه‌پردازان توسعه اقتصادی را با رشد اقتصادی یکی می‌شمارند، بسیاری دیگر توسعه را مفهومی وسیع‌تر از رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند. به طور کلی در حالی که رشد اقتصادی به افزایش کمی در تولید ناخالص ملی معطوف است، توسعه اقتصادی علاوه بر جنبه‌های کمی ابعاد کیفی را نیز در برمی‌گیرد به منظور شفاف‌تر شدن بحث در اینجا به چند تعریف از توسعه اقتصادی اشاره می‌گردد.

پرفسور بلاگ می‌گوید توسعه اقتصادی عبارت است از دستیابی به تعدادی از اهداف مطلوب نوسازی از قبیل افزایش بازدهی تولید، ایجاد برابری‌های اقتصادی و اجتماعی، کسب دانش، فن و مهارت‌های جدید، بهبود در وضع نهادها و یا به طور منطقی دستیابی به یک سیستم موزون و هماهنگ از سیاست‌های مختلف که انبوه شرایط نامطلوب یک نظام اجتماعی را برطرف سازد.

میردال در تعریف توسعه اقتصادی می‌گوید به نظر من توسعه اقتصادی عبارت است از حرکت یک سیستم یک دست اجتماعی به سمت جلو یا به عبارت دیگر در این مقوله نه تنها روش تولید، توزیع محصولات و حجم تولید مد نظر است بلکه تغییرات در سطح زندگی، نهادهای جامعه و سیاست‌ها نیز مورد توجه می‌باشد. در تعریفی دیگر توسعه اقتصادی عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییر و تحولات کیفی به عبارت دیگر توسعه اقتصادی ابعاد کمی و کیفی تغییر در متغیرهای اقتصادی را نه به صورت مکانیکی بلکه به صورت ارگانیکی و زیستی دربرمی‌گیرد. توسعه اقتصادی را ارتقای فراگیر و همه‌جانبه سطح زندگی و رفاه جامعه دانسته‌اند. (نیاکویی، ۱۳۸۶، ص: ۴۰-۳۹)

در مجموع می‌توان افزایش و بهبود در رشد اقتصادی و درآمد سرانه استاندارد زندگی، رفاه، اشتغال مولد، کیفیت تولید و تکنولوژی و توزیع عادلانه‌تر درآمد را مهمترین عناصر توسعه اقتصادی دانست.

۱-۵-۴- دولت کارآمد

یکی از شروط موفقیت یک کشور در اقتصاد جهانی به عوامل زیربنایی و بالقوه‌ای بر می‌گردد که در هر کشوری وجود دارد. عواملی چون نیروی کار ارزان، ماهر و تحصیل‌کرده و بسیار آموزش دیده (که امروزه اهمیت نیروی کار بسیار آموزش دیده و متخصص روز به روز افزایش می‌یابد)، شرایط ژئوپولیتیک و ژئوکانومیک مناسب (مانند دسترسی نزدیک به بازارهای مهم جهانی که باعث کاهش هزینه‌های حمل و نقل می‌شود و موقعیت مناسب برای ترانزیت کالا و...)، زیرساخت‌هایی مانند نیرو، ارتباطات، حمل و نقل، صنایع و معادن و... و مهم‌تر از آن زیرساخت‌های تکنولوژیک، وسعت بازار داخلی، مواهب و منابع طبیعی، میزان صنعتی بودن کشور و داشتن مزیت نسبی در کالاهای پربازده (کالاهای صنعتی، کامپیوتر، ارتباطات راه دور و...)، ثبات سیاسی و اجتماعی کشور و... مهم‌ترین این عوامل می‌باشند. به عنوان مثال ایرلند نظام آموزشی خوب و ذخیره فراوانی از مهندسان نسبتاً ارزان دارد، مکزیک امکان دسترسی به بازار آمریکا را دارد و در حالی که بسیاری از شرکت‌ها به دنبال زیرساخت‌های مثل نیروی برق مطمئن و حمل و نقل قابل اعتماد می‌باشند، سنگاپور ادعا می‌کند که بهترین زیرساخت دنیا را دارد و بازار وسیع داخلی چین از عوامل موفقیت این کشور می‌باشد.

بنابراین یکی از وظایف دولت در جهان در حال توسعه، فراهم آوردن شرایط بالا (حتی‌الامکان) می‌باشد. در واقع تلاش دولت به منظور توسعه زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی و توانایی‌های صنعتی، تمرکز بر آموزش و تحقیق و توسعه و... می‌تواند زمینه‌ساز ادغام و حضوری موفق در اقتصاد جهانی باشد. (نیاکویی، ۱۳۸۶، ص: ۹۴)

سایر سیاست‌هایی که دولت به منظور حضوری موفق در اقتصاد جهانی به عهده دارد، شامل: تثبیت اقتصاد کلان، انجام اصلاحات بنیادین اقتصادی و گشایش اقتصادی (سیاست‌های برون‌گرایانه اقتصادی یا آزاد سازی) می‌باشد. به طور کلی امروزه دولت نقش مهمی در رهنمون کردن کشورها به سوی رشد و توسعه در بستر جهانی شدن دارد. طوری که گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که عامل تعیین‌کننده توسعه به رغم تجربه‌های مختلف کار آمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد برای فراهم کردن کالاها و خدماتی (مقررات و نهادها) که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به سوی زندگی سالم‌تر و سعادت‌مندتر سوق دهد حیاتی است.

۱-۵-۵- اتحادیه‌های منطقه‌ای

امروزه هم زمان با جهانی شدن، شاهد همگرایی اقتصادی در مناطق مختلف جهان هستیم. در واقع قرابت و نزدیکی کشورهایی که در یک منطقه قرار دارند، به لحاظ فرهنگ و نژاد، زبان و دین و... هم چنین فاصله کوتاه‌تر و کاهش هزینه حمل و نقل، موجب تمایل بیشتر این کشورها به همکاری شده است. براساس نوشته‌های پراتون و دیگران «منطقه‌گرایی نه فقط دلالت بر افزایش فعالیت بین کشورهایی دارد که از نظر جغرافیایی در یک منطقه قرار دارند، بلکه یک نوع تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در میان آنهاست که در نتیجه، فعالیت‌های اقتصادی در سطح منطقه‌ای و در یک محدوده جغرافیایی به طور شتابانی سازماندهی می‌شوند.

ابزارهای منطقه‌گرایی همان ابزارهای جهانی شدن می‌باشد. مثل تجارت آزاد، سرمایه‌گذاری‌های درون منطقه‌ای و هم‌چنین فعالیت شرکت‌های چندملیتی درخصوص تخصصی کردن فرآیند تولید، همان عواملی است که در جهانی شدن نیز مؤثر است. جهانی شدن علاوه بر جهانی کردن بازارها و گسترش آنها، منجر به ایجاد یک فضای رقابتی می‌شود. در این فضای پیچیده و دشوار، تنها واحدهایی امکان بقا و رشد دارند که از قدرت اقتصادی و رقابتی بالایی برخوردار باشند.

در مقابل این پدیده، بیشتر کشورها به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل رقابت جهانی حفظ نمایند. هم چنین سعی می‌کنند از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست پیدا کنند تا مسائل تجاری و اقتصادی در مقیاس منطقه‌ای حل کنند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه‌شان میسر سازند.

۱-۶- روش پژوهش

در این پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش و بررسی فرضیه از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و برای گرد هم آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری بهره گرفته شده است.

۱-۷- مشکلات و موانع پژوهش

مهمترین مسئله‌ای که هر پژوهش‌گر در فهم جهانی شدن با آن روبه‌رو است حجم بسیار وسیع کتاب‌ها و مقالات در این زمینه می‌باشد، که این خود باعث صرف وقت زیادی می‌گردد. در این میان تحلیل‌های متضاد و دیدگاه‌های گوناگون خود باعث پیچیدگی بیشتر این موضوع شده است.

۱-۸- پیشینه تحقیق

هدف این رساله ارائه دیدگاهی کلی در باره سیاست جهانی شدن معاصر به مخاطب است. دو هدف عمده مورد نظر بوده است: نخست اینکه اقتصاد جهانی را به اجمال معرفی نمایم دوم اینکه فرصتها و چالشهای اقتصاد جهانی را در جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار دهیم. ما معتقدیم اصطلاح جهانی شدن مورد اختلاف و بحث انگیز است. علت این بحث انگیز بودن این اصطلاح آن است که اختلاف نظرهای گسترده‌ای درباره این نکته وجود دارد که عصر جهانی شدن به چه معناست. مکاتب نظری مهم و اصلی سیاست جهانی، نظرات و دیدگاه‌های مختلفی درباره جهانی شدن دارند: برخی معتقدند جهانی شدن چیزی بیش از دوره‌ای کوتاه و موقت در تاریخ بشری نیست و بنابراین نیازی نیست تا در فهم خود از سیاست

جهانی‌بازنگری کنیم، برخی دیگر از سرمایه‌داری غربی و نوگرایی می‌دانند، گروهی معتقدند این فرآیند بیانگر تغییر بنیادین سیاست جهانی است و مستلزم فهم جدیدی از آن است. در این رساله قصد بر این است که ارائه دیدگاه‌های کلی از سیاست جهانی در عصر جهانی شدن داده و به رویکردهای نظری که قصد دارند سیاست جهانی معاصر را تشریح کنند بپردازیم. و همچنین به چستی اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اینکه جهانی شدن چالش‌های جدیدی برای دولت‌ها و دیگر بازیگران در اقتصاد جهانی ایجاد می‌کند اشاره‌ای داریم، و بالاخره جهانی شدن اقتصاد واقعیتی انکارناپذیر است، بنابراین تلاش برای آن خواهد بود که به ترتیبی به این کاروان ملحق شویم که حداکثر منافع ملی حفظ گردد. به این منظور با وجود اهمیت فوق‌العاده جهانی شدن اقتصاد، که بعد از جنگ سرد عمده‌ترین موضوع پژوهش‌های علوم سیاسی و اجتماعی بوده است هرچند آثار متعددی در ارتباط با جهانی شدن چاپ و انتشار یافته و همگی سعی به بررسی و واکاوی منسجم و تخصصی جهانی شدن پرداخته‌اند و با اطمینان می‌توان گفت که اکثر آثار تولید شده در ایران بانوعی سوءظن به پدیده‌ی جهانی شدن نگرسته‌اند و آن را برنامه‌ای مخرب و طراحی شده از سوی غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا به منظور سلطه‌ی خود بر جهان و از بین بردن اقتصاد و فرهنگ جوامع غیرغربی می‌دانند. لذا می‌توان گفت در جامعه ما تئورسین‌های جهانی شدن به گونه‌ای که عمده آثار آنها در ارتباط تنگاتنگ با پدیده جهانی شدن باشد و با بررسی دوره‌ای و موشکافانه‌ای، نقاط عطف فرآیند جهانی شدن، تحلیل و ارزیابی به روزی از این فرآیند بدست دهند وجود ندارد. بنابراین بیشتر منابع تحلیل‌های متناقض، متضاد و پراکنده‌ای از جهانی شدن ارائه می‌دهند در میان آثار موجود پیوستگی و تکمیل‌کنندگی و ارتباط منطقی و منسجم یافت نمی‌شود که این مسئله به نوبه خود موجب سردرگمی و بی‌برنامه‌گی در ارتباط مواجهه با جهانی شدن در جامعه ما و بیشتر جوامع در حال توسعه شده است که نتایج مخربی در سطوح گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی ایجاد کرده به همین دلایل باینکه جهانی شدن حاوی فرصت‌ها و مواجهه هر چه بیشتر با چالش‌های جهانی شدن، گردیده است. دسته‌ای دیگر از منابع جهانی شدن، صرفاً به جنبه‌ها و مصادیق عینی جهانی شدن می‌پردازند و سخن از انفجار اطلاعات، عصر ارتباطات، شکل‌گیری شرایط اقتصادی نوین و تحول نهادهای اقتصادی - سیاسی جهانی و ارتباطات پیشرفته و گسترده در سراسر جهان به میان می‌آورند، اما در این آثار تحلیل و ارزیابی از چگونگی و چرایی این تحولات نوین و پیامدهای آن در عرصه مختلف زندگی انسان محلی از اعراب ندارد. اینک به چندین اثر مهم موجود در کشور در ارتباط با جهانی شدن اشاره می‌کنیم:

یکی از منابع مهم و ارزشمند جهانی شدن در جامعه ایران کتاب دوجلدی «جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین» می‌باشد. که شامل (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرآیندها) می‌باشد. و مجموعه مقالاتی از بزرگترین نظریه‌پردازان جهانی شدن است که توسط «جان بیلینس» و «استیو اسمیت» گردآوری و توسط «ابولقاسم راه چمنی و دیگران» ترجمه شده است که تأثیر جهانی شدن را در سیاست جهانی تجزیه و تحلیل می‌کند. این کتاب سعی کرده تمام ابعاد جهانی شدن را از سیاست، فرهنگ، اقتصاد، محیط زیست، امنیت، جنبش‌های ملی و فراملی، تروریسم و... در برگیرد. در واقع هر مقاله آن یک شاخه از جهانی شدن را بررسی می‌کند که طبیعتاً همین مسأله باعث می‌شود مطالب و نکات زیادی در ارتباط با هر بعد از جهانی شدن ناگفته باقی نماند. موضوع این کتاب از این لحاظ که به اهداف پژوهش ما که مدیریت پیوستن به اقتصاد جهانی است همسو می‌باشد ولی از این لحاظ که به کشور ایران به طور خاص اشاره نشده با پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد.

کتاب دیگر «نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن» نوشته «دکتر حسین سلیمی» است. که جهانی شدن را از منظر تئوری‌ها و مکاتب مختلف بررسی می‌کند و نظرات برجسته‌ترین اندیشمندان جهانی شدن را توضیح می‌دهد. این کتاب صرفاً به توضیح جهانی شدن در چارچوب مکاتب مختلف بدون داور و تحلیل مطلب بسنده می‌کند. بنابراین تنها در گسترش دامنه آگاهی و اطلاعات از فرآیند جهانی شدن برای دانشجویان و علاقه‌مندان به علوم سیاسی و اجتماعی کارآیی دارد و به موضوع اقتصاد جهانی به طور خاص پرداخته نشده است و از این حیث با این پژوهش تفاوت دارد.

یکی از کتاب‌های ارزشمند در این زمینه کتاب «روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی» نوشته «دکتر رضا سیمبر و دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین» می‌باشد. در این کتاب به توضیح ساختار جهانی از وستفالی تا پایان جنگ سرد پرداخته می‌شود و به پارامترهای قدرتی در نظام جهانی از جمله، مؤلفه اقتصادی در دنیای جهانی شده اشاره گردیده است و از این لحاظ که به موضوع جهانی شدن اقتصاد در کشورج.ا.ایران پرداخته با پژوهش حاضر متفاوت است.

در مورد نظریه‌های جهانی شدن از کتاب «روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها» نوشته «دکتر سید عبدالعلی قوام» می‌باشد. این اثر که عمدتاً بر نظریه‌ها و رویکردهای روابط بین‌الملل تأکید می‌نماید، در این کتاب سعی شده عملکرد عناصر متشکل دولت در چارچوب نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون بررسی شود. بنابراین تصویری جامع از دیدگاه‌ها و رویکردهای روابط بین‌الملل پرداخته شده اما در مورد ابعاد جهانی شدن توضیحی ذکر نگردیده که این از تفاوت‌های موجود با پژوهش حاضر می‌باشد. کتاب ارزشمندی که در ارتباط با جهانی شدن اقتصاد در کشور وجود دارد کتاب «جهانی شدن و توسعه با نگاهی به ایران» نوشته «دکتر امیر نیاکویی» است، که متضمن مهم‌ترین مباحث در جهانی شدن، تأثیر این پدیده بر سیاست و اقتصاد و فرهنگ در جوامع گوناگون می‌باشد. تم اصلی بحث آن است که جهانی شدن اقتصاد می‌تواند به شرط حضور فعال یک کشور در اقتصاد جهانی و مدیریت مناسب دولت منجر به رشد و توسعه اقتصادی گردد و نکته مهم آن است که برای آن که یک کشور بتواند در بستر جهانی شدن اقتصاد به توسعه دست یابد لازم است که با فراهم آوردن شرایط لازم بتواند حضوری چشمگیر در اقتصاد جهانی داشته باشد و علاوه بر این دولت به مدیریت چگونگی این حضور به منظور کاهش آثار منفی آن بپردازد. در واقع در شرایطی که یک کشور در اقتصاد جهانی مشارکت نمی‌کند نمی‌تواند از مزایای آن (رشد و توسعه در بستر جهانی شدن) بهره‌گیرد. به این علت کتاب مزبور با پژوهش حاضر کاملاً همسو می‌باشد ولی به جهت قدیمی بودن آمار با پژوهش حاضر متفاوت می‌باشد.

کتاب دیگر «مسائل جهان سوم سیاست در جهان در حال توسعه» است که توسط «پیتر برنل و ویکی رندال» گردآوری شده و به ترجمه «دکتر احمد ساعی و دکتر سعید میر ترابی» است. اشاره اصلی کتاب بر این است که برای موفقیت توسعه، سیاست به همان اندازه اقتصاد اهمیت دارد. تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که همواره دولت‌های موفق و اقتصادهای موفق، دوشادوش یکدیگر حرکت کرده‌اند. در تألیف این کتاب، شماری از برجسته‌ترین صاحب‌نظران مسائل جهان در حال توسعه شرکت داشته‌اند و همین امر بر تنوع دیدگاه‌ها و غنای محتوای کتاب افزوده است. یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته این کتاب این است که نویسندگان آن در طرح مسائل و مشکلات جهان در حال توسعه، عمدتاً جانب انصاف را رعایت کرده و در بسیاری از موارد، به گرفتاری‌ها و تنگناهایی که از جانب غرب به طور مستقیم (همچون استعمار یا مداخله نظامی) و یا غیرمستقیم (همچون نظام تجارت جهانی) برای جهان در حال توسعه پدید آمده، آشکارا پرداخته‌اند. این کتاب روایتی است مشروح و مستند از پیچیدگی‌های عالم سیاست و شیوه پیوند آن با مسائل و مشکلات توسعه در کشورهای جهان سوم با تکیه بر رویکردی نو و بدین جهت با پژوهش ما در یک راستا است ولی از این لحاظ که، به جهانی شدن اقتصاد در کشور ج.ا.ایران اشاره نموده با این پژوهش حاضر تفاوت دارد.

«جهانی شدن و جنوب برخی مباحث انتقادی» نوشته «مارتین خور» ترجمه «دکتر احمد ساعی» به این مسأله اشاره دارد که فرصت‌ها و منافع فرآیند جهانی شدن، توسط حامیان و طرفداران آن مورد تأکید قرار گرفته، اما با این حال اخیراً موجبات نگرانی‌های فزاینده‌ای در میان بسیاری از سیاستگذاران، تحلیلگران، دانشگاهیان و نیز سازمان‌های غیردولتی در جنوب و شمال فراهم آورده است. این نوشتار ماهیت جهانی شدن اقتصاد، برخی از جنبه‌های کلیدی آن (آزاد سازی مالی، تجاری و سرمایه) و تحولات اخیر همراه با الزامات آن برای جنوب را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. همچنین پیشنهادها و راهکارهایی را در مورد کاهش مؤثر جنبه‌های منفی جهانی شدن، به ویژه در مورد اقداماتی که کشورهای جنوب برای مدیریت بهتر و کاهش خطرات ناشی از جهانی شدن اقتصاد و تقابل سطوح ملی و بین‌المللی می‌توانند انجام دهند، مطرح و ارائه می‌نماید اما درباره کشور ایران اشاره‌ای، ننموده است.

کتاب دیگری که در ارتباط با جهانی شدن موجود است، کتاب «جهانی شدن با کدام هدف؟» نوشته «پل سوئیزی/سمیر امین/هری مگداف/جیووانی اریگی» ترجمه «ناصر زرافشان» می‌باشد. مباحث آن درباره سرمایه‌داری و دیدگاه مارکسیستی به مقوله جهانی شدن می‌باشد، توجه به این نکته لازم است که هیاهوی اخیر در روند جهانی شدن ماهیتاً چیز تازه‌ای نیست و بخشی از یک جریان مداوم و پیش رونده است که دارای تاریخی طولانی است. در آغاز، سرمایه‌داری در جریان ایجاد یک بازار جهانی متولد شد و امواج طولانی رشد در کشورهای سرمایه‌داری کانونی با پخش و انتشار این نظام از راه فتوحات نظامی و رخنه اقتصادی که قرن‌ها طول کشید، همراه بود. روند جهانی شدن چیزهای بسیاری را به وجود آورده است که در اقتصاد و سیاست جهان تازه‌اند، اما این روند راه‌های اساسی عملکرد نظام سرمایه‌داری را تغییر نداده است. همچنین به امر صلح یا ترقی

و رفاه انسان نیز هیچ‌گونه کمکی نکرده است. در این کتاب به اقتصاد جهانی پرداخته و از این لحاظ متفاوت با این پژوهش می‌باشد.

در کشور ما کتاب دیگری موجود می‌باشد به نام «جهانی‌شدن و جهانی‌سازی پیشینه و چشم‌انداز» که گردآورنده آن «علی امینی» است. این کتاب شامل مجموعه مقالات در مورد جهانی‌شدن می‌باشد و با دیدگاهی متفاوت و ریشه‌ای‌تر به تحلیل پیش‌آمد یازده سپتامبر و جهانی‌شدن می‌پردازد. این کتاب هم فقط به جهانی‌شدن به طور کلی پرداخته است که با بخشی از کارما همخوانی دارد ولی به اقتصاد جهانی و تأثیر آن بر کشور ایران پرداخته نشده است و از این جهت با پژوهش حاضر متفاوت است.

کتاب بعدی، کتاب «مسائل و تحولات تجارت بین‌المللی از گات تا سازمان تجارت جهانی» می‌باشد که نویسندگان آن «آندره سایپر، گروه لوتویلر، ویلیام ر. کلاین، کنوود و لافهید و...» می‌باشد که توسط «احمدخوی» تنظیم و ویرایش گردیده است. اشاره اصلی این کتاب بر این است که با وجود آن که رشد تجارت به عنوان پیامد مهم افزایش تقسیم کار جهانی بسیار جلوتر از جنگ جهانی دوم شروع شده بود اما پس از پایان این جنگ سرعتی بسیار گرفته و در سه دهه اخیر برشتاب آن چنان افزوده شده است که سهم تعدادی از کشورها از تجارت جهانی بر سهم آنها از تولید جهانی پیشی گرفته است. به این ترتیب، ضروری است به تحلیل دقیق تغییرات و تحولات تجارت بین‌الملل پرداخت تا با شناخت چالش‌ها و مسائل آن و دستیابی به دید تحلیلی عمیق از رفتار و روند تجارت جهانی بتوان رویکرد صحیح کشور را در قبال این گونه مسائل پیدا و به تصمیم‌گیران کشور معرفی کرد. برای شناخت دقیق سازمان‌ها و نهادهای تنظیم‌کننده و مؤثر در مبادلات بین‌المللی و مسائل و تحولات تجارت بین‌الملل قدم برداشته در تقویت مبانی علمی - پژوهشی تجارت و سیاست‌گذاری تجاری بکوشد. ولی از این لحاظ که در مورد اقتصاد جهانی با نگاهی ایرانی اشاره‌ای ننموده با پژوهش فعلی فرق می‌نماید.

اما شاید ارزشمندترین اثر در باب جهانی‌شدن اقتصاد در ایران، کتاب «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن» اثر «دکتر محمد مهدی بهکیش» می‌باشد. مضمون اصلی این کتاب طرح ابعاد مختلف جهانی‌شدن در ارتباط با ایران است. بنابراین با طرح دیدگاه‌های مختلف، به رشد تفکر در این زمینه کمک فراوان می‌کند. جهانی‌شدن چون هر پدیده جدید دیگر، ابتدا در دنیای صنعتی گسترش یافت و مهمترین محور جهانی‌شدن را می‌توان افزایش رقابت در سطح جهانی دانست. رشد و تکنولوژی به دلیل رقابت سرعت بیشتری گرفته است و از انحصار کشورهای پیشرفته خارج شده و یا توسط خود آنان به کشورهای دیگر منتقل شده است. گسترش جغرافیایی شرکت‌های چند ملیتی یا فراملی منجر به افزایش شدید تجارت جهانی شد و پدیده جدید «تولید جهانی» را به وجود آورد و سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر به شدت رشد کرد. برای ورود به صحنه بین‌المللی ابتدا به شناخت موقعیت خود پرداخته، این کتاب تلاشی در این جهت دارد. با اینکه ابعاد جهانی‌شدن بسیار گسترده است و اثرات آن بر اقشار مختلف جامعه متفاوت می‌باشد، مدل‌های سنتی تحلیل‌های اقتصادی را با شرایط جدید هماهنگ ساخته و از روش‌های نوین تجزیه و تحلیل زمینه‌های اقتصاد و مدیریت، بهره گرفته است. این انگیزه‌ای برای ارائه کارهای بهتر و کامل‌تر می‌باشد و زمینه تفکر را در بین اساتید و دانشجویان و البته سیاست‌مداران، مساعدتر می‌نماید و راه ورود به هزاره سوم میلادی که رقابت به جای حمایت وسیله رشد و توسعه شده است را برای جامعه ما نیز هموارتر سازد. این کتاب با پژوهش موجود همسو می‌باشد و تفاوت آن، به روز نبودن آمارها می‌باشد.

«جهان آشوب‌زاده» نوشته‌ی «جیمز روزنا» و ترجمه «علیرضا طیب»، به این مسأله اشاره می‌کند که دگرگونی‌های بزرگی در نظام جهانی در حال رخ دادن است، دگرگونی‌هایی که حکایت از پیدایش ساختارها، روندها و الگوهای جهان تازه‌ای دارد که ماندگاری و کارآمدی شیوه‌های جاافتاده هدایت امور بین‌المللی و حفظ امنیت جهان را در معرض تردید قرار می‌دهد. امروزه دیگر «جهان دولت محور» غلبه ندارد. انقلاب مهارتها، بحران جهانگیر مرجعیت و اقتدار دیگر سرچشمه‌های آشوب موجب دو گونه شدن ساختارهای جهان شده است، بدین ترتیب جهان چند مرکزی پیچیده‌ای متشکل از بازیگران مختلف و نسبتاً خودمختار پدیدار شده‌اند. که ساختارها، فرآیندها و قواعد تصمیم‌گیری خاص خود را دارند. جهان آشوب‌زده، مجموعه‌ای از مقالات است که این مسائل را بطور سلسله وار تبیین می‌کند و راه‌حلی برای برون رفت از این معضلات پیشنهاد می‌دهد. نگاه این کتاب بیشتر اقتصاد محور است و سرچشمه آشوب در جهان را مسائل اقتصادی بویژه افزایش شمار بازیگران عرصه